

پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی | بخش (2)



در این بخش با استناد به کتاب " پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی" تالیف پژوهشگاه مطالعات تقریبی به شبهاتی که در موضوع تاریخچه فلسطین، مذهب مردم فلسطین، طوفان الاقصی و رابطه ایران و حزب الله، قوم یهود و ... مطرح می شود پاسخ داده خواهد شد.

سؤال اول: کتابی بر ضد شیعه که به صورت گسترده توسط حماس در فلسطین نشر شده خبر نشر این کتاب خبری است که بسیاری به آن خبر پرداخته اند، اما چیزی که کم تر به آن پرداخته شده نویسنده پلید آن «صالح حسین الرقب» وزیر اوقاف حماس و استاد عقائد دانشگاه غزه است! یعنی حماس با پول مردم مظلوم ایران در حال گسترش شیعه ستیزی در سرزمین های تحت حکومتش است. در این کتاب آمده: خطر شیعیان و ایرانیان از یهود هم بیشتر است، یعنی ملت ایران که به خاطر این جماعت متحمل زیان و تحریم و فشار شده اند و سرمایه زندگی شان خرج این ها شده و در اوج گرما و آفتاب برای حمایت از این ها به خیابان می آیند، از نظر این ها از صهیونیست های که سرزمین هایشان تصرف کرده اند دشمن خطرناک تری اند! به راستی علت دشمنی این جماعت با ملت ایران چیست؟!

پاسخ: در اینکه صالح الرقب با حماس همکاری داشته و نیز ضد شیعی بودن وی تردیدی نیست، وی کتابی نوشته به نام «الوشیعة فی کشف شنائع و ضلالت الشیعة» که در سال 1424 هجری قمری (2003 میلادی) منتشر شده است. بعدها نیز مقاله‌ای تحت عنوان «التَّشِيعُ دینٌ مُستقلٌ یُسَمَّى دینُ الإمامیَّة عند اکابر مراجع علماء الشیعة» از وی منتشر شده است. اما اولاً حماس در انتشار این کتاب نقشی نداشته در همان زمان انتشار کتاب که سال 2003 میلادی است، عمل وی موجب اعتراض حماس شد و حتی وقتی در سال 2007 وی متصدی پست وزارت اوقاف شد، با اعتراض بسیاری از بزرگان حماس مجبور به کناره‌گیری از این سمت شد. ثانیاً آیا می‌توان به صرف وجود یک یا چند نفر ضد شیعه در یک جنبش، آن جنبش را محکوم کرد. اینکه عیناً همان شیوه‌ای که افراد ضد شیعه دارند، و به صرف وجود چند شیعه منحرف، همه شیعیان را محکوم می‌کنند.

سؤال دوم: زیاد النخالة دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین گفته است: طبق قوانین گروه جهاد اسلامی، ما یک گروه سُنِّی هستیم و همه باید سُنِّی باشند. کسی خواست شیعه باشد باید از گروه ما برود بیرون و جایی ندارد! شیعه بین ما جایگاهی نخواهد داشت. هرکس خواست شیعه باشد یا کافر باشد از گروه جهاد اسلامی خارج است."

پاسخ: گروه جهاد اسلامی فلسطین حرکتی بود که با تأسی به اندیشه‌های امام خمینی 1 شکل گرفت. در زمان جنگ ایران و عراق هم این گروه از مواضع ایران دفاع می‌کرد. این مسائل باعث شد که در بین کشورهای سنی‌نشین این جنبش به شیعی بودن و ترویج تشیع در بین اهل سنت متهم شود. صحبت زیاد نخاله با شبکه الجزیره، در پاسخ بدین اتهام بود. وی در پاسخ به این اتهام گفت، ما یک گروه سنی هستیم. کسی می‌تواند شیعه شود و یا حتی تفکر دیگری را انتخاب کند، اما در آن صورت از گروه ما نخواهد بود. ولی متأسفانه این سخن ایشان تقطیع و پخش شده است.

سؤال سوم: اگر این اتفاقات در زمان حضور معصومان رخ می‌داد آیا آن حضرات از حماس حمایت می‌کردند؟

مروری بر نظر امام زین‌العابدین، امام باقر و امام صادق به قیام‌های بعد از حادثه کربلا نشان می‌دهد اهل بیت این نوع حرکت‌ها را تأیید نمی‌کردند و لااقل سکوت اختیار می‌کردند.

پاسخ: چرا حمایت نکنند. مگر این کلام خداوند نیست که می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الذِّینَ

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. (النساء (4): 75)؛ «و شما را چیست که در راه خدا و [نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود برای ما یآوری مقرر دار.»

مگر این فرمایش رسول الله نیست که فرمود: «مَنْ أَصْدِجَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِدْهُ فَلَا يَسَ بِمُسْلِمٍ» [1]؛ «هر که روز خود را آغاز کند و دغدغه امور مسلمانان را نداشته باشد، از آنان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی انسانی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.»

مگر این فرمایش امام صادق (علیه السلام) نیست که فرمود: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ أَشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ - وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ» [2]؛ «مؤمن برادر مؤمن است، همچون تن واحد، که اگر جایی از آن به درد آید، جاهای دیگر تن نیز احساس درد می‌کند.»

آیا غیر از این است که تمام فقیهان شیعه اهل سنت را مسلمان می‌دانند؟ و آیا فرمایشات خداوند متعال، و پیامبر خدا صلی اله علیه و آله، و امام صادق⁷، شامل مسلمانان فلسطین نیست. اما ادامه سؤال: «مروری بر نظر امام زین‌العابدین، امام باقر و امام صادق به قیام‌های بعد از حادثه کربلا نشان می‌دهد اهل بیت این نوع حرکت‌ها را تأیید نمی‌کردند و لاقلاً سکوت اختیار می‌کردند.» این قیاس مع الفارق است. اولاً در آنجا جنگ با حاکمان مسلمان جائر و نامشروع بود، درحالی‌که اینجا جنگ با کافرانی غاصب و جنایت‌کار است. ثانیاً در آنجا قیام‌هایی با اهداف باطل بود درحالی‌که اینجا قیام بر ضد حکومتی غاصب و باهدف آزادسازی سرزمین مسلمانان از دست غاصبان است. مگر این امام سجاد⁷ نیست که برای مرزبانان کشورهای اسلامی دعا می‌کند. آیا آن زمان این سربازان همه شیعه بودند؟

ثالثاً امامان معصوم (علیهم السلام) تنها قیام‌هایی را محکوم کردند که به انگیزه باطل صورت می‌گرفتند. اما اگر با انگیزه درست صورت می‌گرفت آن را محکوم نمی‌کردند. مگر زید فرزند امام سجاد⁷ قیام نکرد؟ و مگر این امام صادق نبود که در مورد وی فرمود: «رَحِمَ اللّٰهُ عَمِّي زَيْدًا إِنََّّهُ دَعَا إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ طَفِرَ لَوْ فَى بِمَا دَعَا إِلَيْهِ» [3]؛ «خداوند عمویم زید را بیامرزد به راستی که او دعوت به رضایت آل محمد نمود و اگر

پیروز می‌شد به آنچه به‌سوی آن دعوت کرده بود وفا می‌کرد.»

سؤال چهارم: هیچ‌وقت کشوری به اسم فلسطین وجود نداشت.

پاسخ: اگر کشور به معنای امروزی مقصود است، بله در گذشته کشوری به نام فلسطین وجود نداشته، همچنان که هیچگاه در طول تاریخ کشوری به نام اسرائیل وجود نداشته است. اما اگر کشور به معنی قدیم مقصود است که بر یک سرزمین اطلاق می‌شد، سال‌ها قبل از میلاد مسیح سرزمینی به نام فلسطین وجود داشته، یعنی از 1184 سال قبل از میلاد که قبائلی به نام فلسطینیان در این منطقه ساکن شدند، این سرزمین به نام آنان موسوم شد و همیشه به نام فلسطین بوده است. بعد از ورود اسلام بدین منطقه نیز تبدیل به یکی از سرزمین‌های اسلامی می‌شود و این چیزی است که مورد تصریح کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌های متعدد است و تا قبل از اشغال آن توسط صهیونیست‌ها به همین نام در همه جای دنیا شناخته می‌شد. برای نمونه دستخطی از سلطان عبدالعزیز سعودی (1874 یا 1880 – 1953م.) وجود دارد که خیلی جلوتر از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی است و در آن لفظ فلسطین آمده است. متن دست خط و تصویر آن چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. انا السلطان عبدالعزيز بن عبدالرحمن آل فيصل آل سعود، اقرّ و اعترف الف مرّة، لسر برسی کوکس، مندوب بریطانیا العظمی، لا مانع عندي من اعطاء فلسطین للمساكين اليهود او غیرهم كما تراه بریطانیا، التي لا اخرج عن رأيها حتى تصبح الساعة.» «من، سلطان عبدالعزیز پسر عبدالرحمن آل فيصل آل سعود، برای سر پرسی کاکس (1864 – 1937م) نماینده بریتانیای کبیر، اقرار و اعتراف می‌کنم که از نظر من هیچ مانعی نیست که سرزمین فلسطین را هر طور که بریتانیا صلاح می‌داند به یهود بیچاره یا غیر آنان بدهد، و تا صبح قیامت از خواست و رأی بریتانیا تخطی نخواهم کرد.»

حال با این وضع می‌توان ادعا کرد که کشوری به نام فلسطین وجود نداشته است؟!

سؤال پنجم: قدس و فلسطین به ما چه ربطی دارد؟

پاسخ: قدس و فلسطین از چند جهت به ما ربط دارد.

اول: اینکه که ما مسلمانیم، فلسطین قبله اول ما و معراج‌گاه پیامبر اکرم⁹، و یکی از سرزمین‌های مقدس ما است که توسط عده‌ای یهودی غاصب که متعلق به این منطقه نیستند و از دیگر مناطق دنیا

آمده‌اند غصب شده و مسلمانان ساکنان اصلی این منطقه را از خانه و کاشانه خویش آواره کرده و تمام هستی آنان را به یغما برده‌اند و ده‌ها هزار نفر از آنان را تابه‌حال به شهادت رسانده‌اند و جنایت‌های آنان هر روز و هر ساعت ادامه دارد و متوقف نمی‌شود.

دوم: اینکه فلسطین در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک جهان واقع است که حاکمیت صهیونیست‌ها بر این کشور بسیاری از منافع ما را به خطر می‌اندازد و ما نمی‌توانیم از منافع خویش بگذریم. برای مثال، کشتی‌های ما از دریای سرخ و دریای مدیترانه عبور می‌کنند و صهیونیست‌ها امنیت آنها را به خطر می‌اندازند، همان‌طور در همین سال‌های اخیر به چند نفت‌کش ما حمله کردند.

سوم: اینکه کشورهای غربی مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان دشمنان ما هستند و رژیم صهیونیستی حافظ منافع این کشورها در این منطقه و عامل آنها است.

چهارم: حفظ منافع ملی هدف اصلی سیاست خارجی هر کشور است. بخشی از منافع ملی هر کشور را نیز اهداف فراملی تشکیل می‌دهند که همه کشورها به دنبال تأمین آن هستند. برای مثال، آمریکا مداخله نظامی خود را در ویتنام، افغانستان، عراق و... بر همین اساس توجیه می‌نمود. اهداف فراملی جمهوری اسلامی اقتضای حضور در منطقه و حمایت از مسلمانان و مستضعفین را دارد که در رأس آنها حمایت از مردم مسلمان فلسطین است.

پنجم: عمق راهبردی (استراتژیک) که به یک معنا عبارت از «عمق و دایره و حوزه نفوذ یک کشور و ملت» است، امری است که همه کشورها بدان اهتمام دارند. بر همین اساس یکی از مسائلی که در سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفته «افزایش و گسترش عمق استراتژیک ایران در جهت بازدارندگی دفاعی، سیاسی و اقتصادی در مقابل تهاجمات دشمنان» است. براین اساس فلسطین و منطقه خاورمیانه جزء منطقه عمق راهبردی جمهوری اسلامی است که ما نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌توجه باشیم.

ششم: اینکه ما مسلمانیم و نمی‌توانیم در مقابل ظلم به مسلمانان و کشت‌وکشتار آنان ساکت بمانیم. این فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: «مَنْ أَمَّ بِحَجِّ لَا يَهْدِمُكُمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَسْ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا يَسَ بِلْمُسْلِمٍ» [4]، «هر که روز خود را آغاز کند و دغدغه امور مسلمانان را نداشته باشد، از آنان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی انسانی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.»

هفتم: اینکه ما انسانیم و هیچ انسانی ما نمی‌تواند به خاک و خون کشیده شدن این همه انسان بی‌گناه اعم از کوچک و بزرگ و زن و بچه را ببیند و نسبت به آن ساکت بماند.

[1] . محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، ج 4، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1407 ه.ق.، ج 2، ص 164، حديث 5.

[2] . الكافي، ج 2، ص 166، حديث 4.

[3] . محمد بن حسن حر عاملي، وسائل الشيعة، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 1، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1409 ه.ق.، ج 15 ص 54، حديث 11.

[4] . محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، ج 4، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1407 ه.ق.، ج 2، ص 164، حديث 5.